باید جلو عوام‌فریبی را گرفت

ادامه از صفحه ۷

یکی از مظاهر انتخابات پیش‌رو تمایل افراد سیاسی به ثبت‌نام در انتخابات است که هرکدام هم در جای خود چهره شاخصی هستند. این نشانه چیست؟ غیر از اینکه این وضعیت چندپارگی حزبی را نشان می‌دهد، به‌نظر شما به‌طور کلی این افراد به چه امیدی وارد عرصه می‌شوند و روی چه حساب می‌کنند؟

بخشی که به همان فقدان حزب بر می‌گردد و بخشی به اینکه فکر می‌کنند مقبولیت و قدرت ایجاد اثری داشته و گمان می‌کنند توانایی جذب آرایی را دارند، ولی علی‌القاعده هر چند این واقعیت طیف‌گونه چه در جناح اصولگرا و چه در جناح اصلاح‌طلب در این انتخابات بهتر نمود پیدا کرده، اما خب به‌عنوان یک نقطه ضعف این تکثر باید بگویم اگر این رویه ادامه پیدا کند و بخواهیم نامزدها را حول برنامه تحلیل کنیم با این تعدد افراد و برنامه‌ها تحلیلمان قابل جمع نیست و نقدکردنشان خیلی سخت می‌شود.

فکر نمی‌کنید ممکن است بخشی از این به سهم‌خواهی در دولت آینده برگردد؟

من کمی از گفتن این کلمه اکراه دارم و از آنجا که سند ندارم گفتنش را اخلاقی نمی‌دانم. ولی می‌توانم بگویم که حتما پشت سر اینها برنامه‌ای هست. من در این مملکت فهمیدم که به سیاست نمی‌شود اعتماد کرد. حتما پشت سر این تعدد برنامه‌ای هست ولی بگذارید تا زمانی که علایم و شاخص‌هایی دیده نشده ما در واقع به این برنامه‌ریزی‌های محتمل اشاره‌ای نکنیم. در فرآیند پیش‌رو خیلی‌ها کناره‌گیری می‌کنند و خیلی‌ها رد صلاحیت می‌شوند، خیلی‌ها با اقبال عمومی مواجه نمی‌شوند و عرصه را خالی می‌کنند. به هرحال امروز معلوم نیست که چه برنامه‌ای هست، ولی مطمئنم که در عالم سیاست به هر حال کار بی‌برنامه انجام نمی‌شود و اخیرا به این جمله رسیده‌ام که در هرجا بشود حمل بر صحت و برائت گذاشت در سیاست باید اصل را بر عدم برائت و صحت بگذاریم مگر اینکه خلافش ثابت شود.

این روزها برخی حرف‌های اصلاح‌طلبانه را از زبان اصولگرایان و موضع‌گیری‌های اصولگرایانه را از طرف برخی اصلاح‌طلب‌ها می‌شنویم. این افراد و جریان‌ها دنبال چه چیز هستند؟ صرفا پایگاه رای یا گرفتن تاییدهایی خاص؟

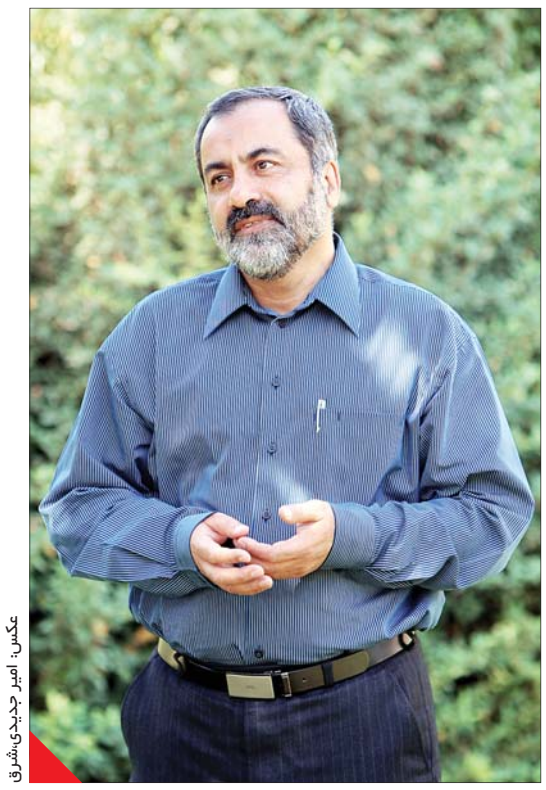
عکس: امیر جدیدی/شرق

برای به چالش کشیدن این افراد راه‌حلی ارایه می‌دهم که اصلا هم غیراخلاقی نیست. یعنی اصلا قرار نیست کسی را متهم کنیم که شما ایمان نداری، باور نداری و داری این شعار را می‌دهی. بر می‌گردیم به سوابق مواضع و رفتارهای آنها در گذشته. هرکسی این شبهه در موردش هست باید رجوع کرد که در فلان تاریخ و وضعیت و موضوع چه حرفی زده، این آسان‌ترین روش است. مثلا این روزها عده‌ای منتقد دولت شده‌اند که روزگاری بزرگ‌ترین حامیان و تاییدکنندگان دولت بودند و بیشترین برخورد را با منتقدان دولت می‌کردند و امروز حرف‌های منتقدان را می‌زنند و خجالت هم نمی‌کشند. برخی امروز دم از شعارهای اصلاح‌طلبی و آزادی‌خواهی می‌زنند که روزگاری کوچک‌ترین نقدی را بر نمی‌تابیدند، مردم باید با اینها و مواضعشان آشنا بشوند.

یکی از مواردی که مهم است و حسب این فرهنگ عاطفی و احساسی مردم ایران قابل‌ارزیابی است؛ فقدان حافظه تاریخی مردم است. روشنفکر حداقلش این است که حافظه تاریخی مردم را بیدار کند. حداقل یادآوری کند که در روزگار گذشته چه کسی چه موضعی می‌گرفت. اینکه خرجی ندارد. چند محور را باید به‌عنوان سرفصل قرار داد و مواضع این افراد را در گذشته در مورد این محورها از آرشیو بیرون کشید و در اختیار مردم قرار داد.

آن وقت مشخص می‌شود که چه اصولگرایانی مبادرت به اعلام شعارهایی کرده‌اند که هیچ اعتقادی به آنها نداشته‌اند و بر عکس چه اصلاح‌طلب‌هایی که عملا هیچ ارادتی نداشته‌اند و حالا ارادت پیدا کرده‌اند. هر چند خودم نتوانستم هیچ‌گاه در نظام فکری‌ام اصولگرایی را در مقابل اصلاح‌طلبی قرار دهم. چراکه اعتقاد دارم یک اصولگرا اگر محافظه کار باشد و به اصلاح امور اعتقاد نداشته باشد، اصولگرا نیست و هیچ اصلاح‌طلبی هم پیدا نمی‌کنید که به اصولی اعتقاد نداشته باشد و فکر می‌کنم این روش تقسیم‌بندی خیلی درست نبوده.

من فکر می‌کنم که این تعریف خیلی گنگ است و ابهام دارد و باتوجه به شناختی که از ایران دارم متاسفانه این عدم‌شفافیت تا حدودی از روی عمد است. چون احساس می‌کنند در شفافیت نمی‌توانند اهدافشان را پیش ببرند. یکی از دلایلش همان اقتصاد رانتی است. همان رابطه دولت، قدرت، ثروت که هر از چند گاهی تغییراتی به وجود بیاید و آنها هم مواضعشان را تغییر دهند. به‌نظر من نگاهی که ما به سیاست در ایران داریم بیشتر به رندی و فریبکاری برمی‌گردد که علی‌القاعده در جمهوری اسلامی نباید این‌طور باشد؛ ولی متاسفانه واقعیت زشت سیاست به سراغ ما هم آمده است.

رژیم حقوقی و تعیین تکلیف جرم سیاسی

صالح نقره‌کار
حقوقدان

فصل انتخابات که می‌شود موجی از فعالیت‌های سیاسی شکل می‌گیرد و بخش موثری از انرژی فعال و سرمایه‌های ارزنده اجتماعی، وارد این عرصه می‌شوند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کنشگران سیاسی، حرکت در سپهر حاکمیت قانون است. این جمعیت، در ازای خدماتی که در جهت توسعه سیاسی و بسط مردمسالاری ارایه می‌دهند، انتظار حمایت قضایی و قانونی دارند. هر قدر فلش‌ها به سمت حرکت قانونمند، شفاف‌تر و قابل تشخیص‌تر باشد، طی طریق توام با سلامت بیشتری خواهد بود. فعالان سیاسی، عمدتا با انگیزه‌های خیرخواهانه و وطن‌دوستانه، رفتارها و تصمیماتی از خود ابراز می‌دارند که ممکن است مورد پسند کارگزاران مستقر نبوده و در مقام نقد و تحلیل کارگزاران متولی امور عمومی، مقاومت‌ها و بازخوردهایی را پدیدار سازد. این اقدامات گاهی چهره مجرمانه به‌خود گرفته و واکنش کیفری به همراه دارد. سیاست کیفری که ناظر به پاسداشت حقوق شهروندی باشد، تلاش می‌کند مبنای تعیین مصادیق جرم سیاسی، خیر عمومی و نظم عمومی باشد. هرقدر سعه‌صدر کارگزاران مستقر، بیشتر باشد میزان تحمل این رفتارها فزونی می‌یابد. با وجود آنکه اصل ۱۶۸ قانون اساسی تعریف جرم سیاسی را به قانون عادی واگذارده و حضور موثر هیات منصفه در دادگاهی علنی را به‌عنوان برونداد وجدان اجتماعی، ضروری می‌شمارد، متاسفانه تاکنون و پس از سه‌دهه تقنین، تصمیم قاطعی در این رابطه اتخاذ نشده و رژیم حقوقی ما، همچنان با تردید در بلاتکلیفی به‌سر می‌برد.

نظریه‌پردازان نوین حقوق عمومی معتقدند که اگر قدرتی ولو به نام قانون، حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین مردم را زیر پا بگذارد، انتقاد جزو اولی‌ترین حقوق شهروندان خواهد بود.

توجه به دلالت اصل ۹ قانون اساسی مبنی بر «هیچ مقامی حق ندارد تحت لوای هر توجیهی ولو حتی با وضع قانون، آزادی‌های بنیادین را از مردم سلب کند...» قابل‌توجه به نظر می‌رسد. نرمش و آرمش نسبت به مخالفان، نهایت عقلانیت سیاسی و شعور دموکراتیک است. امروزه دموکراسی را، استقرار رای اکثریت به‌علاوه استیفای حقوق اقلیت تعریف می‌کنند و نباید هر یک از دو عنصر ذاتی این دلالت را نادیده انگاشت. در جرایمی چون کلاهبرداری و قتل و... علاوه بر عنصر مادی، عنصر روانی نیز دخیل بوده و بردن مال غیر یا سلب حق حیات، مصداق انگیزه روانی آنها تلقی می‌شود؛ اما نسبت به جرم سیاسی باید گفت انگیزه قاطبه این جرایم، اصلاح و تغییر در جامعه است که اغلب حسن نیت، چاشنی آن است. مآلا انتظار ارفاقات حداکثری و واکنش‌های کیفری تامینی برای این دست جرایم، انتظاری بایسته است. البته در همه کشورها، استثنائاتی وجود دارد که جنبه مجرمانه محرز و اجماعی دارد از جمله اعمال خشونت، خدشه بر تمامیت ارضی، ترور و سوءاستفاده از قدرت و... ولی بسیاری از تصورات جرم سیاسی، به واقع از اساس جرم تلقی نمی‌شوند و نه عنصر معنوی سوءنیت و ضربه به کشور و نظم عمومی در مورد آنها صادق است و نه عنصر مادی آنها نقض‌کننده یکی از اوامر قانون تلقی می‌شود.

تسری مفاهیم موصوف به عناوین موهوم و شناور و تفسیربردار، قانون را دستخوش بازی‌های سیاسی و ابزاری قرار می‌دهد. مصادیقی که تعریف قانونی روشن و شفافی ندارند مناسب‌ترین جولانگاه تسویه حساب سیاسیون قرار می‌گیرند. افکار عمومی با بسیاری از این سنخ جرم انگاری‌ها همسو نیست و اظهارنظر در زمینه مسایل عمومی و نقادی روندها و رویکردهای مرسوم سکانداران را جرم نمی‌داند. تحدید ابتکار عمل مردم و فقدان شفافیت و مانع‌تراشی در جریان آزاد اطلاعات و یکنواخت‌سازی فکری نقض قانون اساسی است. منع انحصار به دلالت بند ۶ اصل ۳، تامین آزادی‌های مشروع وفق بند ۷ اصل ۳، تضمین مشارکت عامه مردم، مطابق بند ۸ اصل ۳ خواست قانون اساسی و مطالبه آحاد شهروندان است.

بنابر تحقیق نگارنده تاکنون شش‌مدل از لایحه جرم سیاسی در محافل علمی و تحقیقی و مجلس و کمسیون‌ها و مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان در دست اقدام و بررسی بوده که تاکنون به خلعت قانون آراسته نشده است. خصوصا برخی فقها با تفکیک بغی و محاربه از جرم سیاسی، خواستار نگاهی نوین و مجتهدانه در این خصوص شده‌اند. متاسفانه قانون مجازات جدید در این خصوص ساکت بوده و معطوف به حدود و قصاص است و بخش تعزیرات را که حاکم بر مصادیق جرم سیاسی است، در بر نمی‌گیرد. ذکر این نکته ضروری است که در نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته، جرم سیاسی مصادیق بسیار نادری دارد و اساسا با بازبودن فضای سیاسی و نگاه غیرامنیتی و شهروندمدار، انگیزه‌های مجرمانه و سرخورده و رادیکال، کمتر بروز می‌یابد و رسانه‌ها و احزاب و نهادهای مدنی، آنقدر وسعت دارند که بتوان همه سلیقه‌ها را از کانال قانون، به مشارکت در سرنوشت کشور و فعالیت‌های عمومی سوق داد. امید آنکه با توسعه حقوقی، شاهد تعریف حقوق شهروندمدار جرم سیاسی باشیم و فضا برای کنشگران قانونمند عرصه سیاسی هموارتر و ایمن‌تر باشد.

روزنه

تکاپوی حضور

سردار اسماعیل کوثری*

شاید اساسی‌ترین نکته انتخابات پیش‌رو این باشد که این‌بار اصولگرایان با یکپارچگی بیشتر در انتخابات حضور داشته باشند در شرایطی که اصلاح‌طلبان سعی می‌کنند نیروهایی باسابقه سفید و فعال معرفی کنند و در تلاش برای بازتعریف جریان اصلاحات هستند و همه تلاش خود را در حمایت از نامزدهای مورد حمایت خود می‌کنند، جریان اصولگرایی چون با شعار وحدت می‌آید حتی اگر با یکدیگر اختلاف سلیقه داشته باشند باز هم از یک خرد جمعی مشترک برخوردارند. این طیف در انتخابات با وحدت خوبی وارد صحنه می‌شوند و آنگاه می‌توان یکی از جلوه‌های وحدت حضور در انتخابات را مشاهده کرد هرچند در این محفل گمانه‌زنی هم وجود دارد اما گمانه‌زنی تا حقیقت فاصله معناداری دارد. در برخی مقاطع، بخشی از جریانات تصور می‌کردند که می‌توانند مستقل از علما و روحانیت در صحنه سیاسی کشور حضور پیدا کنند، اما شرایط کشور نشان داد که هرگونه فاصله‌گرفتن از روحانیت و خط امام(ره) شدنی نیست و این شد که اصولگرایان تصمیم گرفتند زیر چتر روحانیت متحد شوند. آیت‌الله مهدوی‌کنی، هم در بین اصولگرایان و هم در بین اصلاح‌طلبان مقبولیت بالایی دارند و نقش ایشان در صحنه برای هم‌راستایی و ایجاد وحدت در جریان اصولگرا بسیار حایز اهمیت است. حالا همه مردم به این مهم پی برده‌اند که روحانیت به‌دنبال پست و مقام نیستند، بلکه به دنبال خدمت‌اند و درحال‌حاضر فضای جامعه به‌نفع روحانیت پیش می‌رود و این به دلیل آن است که روحانیت از امتحانات مختلفی که در طول سال‌هایی که از انقلاب می‌گذرد، سربلند بیرون آمده است. امیدواریم در انتخابات پیش‌رو جامعتین و روحانیت پررنگ‌تر و پراثرتر باشند. سه دهه گذشته روحانیون کارنامه قابل قبول‌تری از افراد غیرروحانی داشتند، پرداختن به موضوع وحدت بین اصولگرایان و در ذیل آن برنامه‌ریزی برای انتخابات، به بهتر انجام‌شدن مسایل اصلی کشور کمک می‌کند و با به وجود آمدن وحدت بین اصولگرایان، موضوع انتخابات به‌عنوان یک بعد اصل وحدت موضوعیت پیدا می‌کند. اصلاح‌طلبان نیز باید سعی کنند با قدرت در انتخابات ظاهر شوند تا اگر نقطه مبهمی در این طیف در اذهان عمومی نقش بسته است پاک شود و هرچه اصلاح‌طلبان با قدرت بیشتر ظاهر شوند، اصولگرایان هم بیشتر به فعالیت ترغیب خواهند شد و شاهد رقابت سالمی خواهیم بود.

*** نماینده مردم تهران در مجلس**

نگاه

راست رادیکال این بار حریف هاشمی نمی‌شود

علیرضا علوی‌تبار

علیرضا علوی‌تبار، معتقد است: «این‌بار، برخلاف سال ۸۴، انتخابات به دور دوم کشیده نخواهد شد. دور دوم انتخابات در سال ۸۴، محصول بستر خاصی بود. آن بستر دیگر از بین رفته است. آن جریانی که می‌خواهد در برابر هاشمی بایستد (راست رادیکال)، در هشت‌سال گذشته امتحان پس داده است و دیگر از آن پشتوانه منسجم و یکپارچه قبلی برخوردار نیست.»

وی در پاسخ به این سوال که ریاست‌جمهوری دوباره هاشمی چه پیامدهایی برای جامعه ایران دارد؟ گفت: «کاندیداتوری هاشمی از دو حیث تاثیر مثبتی بر روی جریان دموکراسی‌خواهی در ایران بر جای می‌گذارد.

اول اینکه، امکان سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه را در ایران فراهم می‌کند. سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه، نیازمند بستر لازم است. وضعیت انتخابات در کشور ما در حال حرکت به سمتی بود که نمی‌شد شما اصلاح‌طلب باشید و از طریق انتخابات بر فضای سیاسی تاثیر بگذارید. اما نامزدی هاشمی در انتخابات پیش رو، امکان سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه را فراهم می‌کند. یعنی شما می‌توانید از طریق انتخابات، تلاش کنید تا بر روند امور مملکت تاثیر بگذارید.

دوم اینکه، هاشمی علاوه بر حمایت اصلاح‌طلبان، ممکن است از حمایت بخشی از محافظه‌کاران هم برخوردار شود. بنابراین حضور هاشمی در انتخابات، امکان تعامل و گفت‌وگوی اصلاح‌طلبان با بخشی از محافظه‌کاران را فراهم می‌کند. نیروهای دموکراسی‌خواه قصد ندارند هیچ جریانی را از صفحه روزگار محو کنند. آنها می‌گویند هر نیرویی، باید به اندازه وزن اجتماعی‌اش واجد قدرت باشد.

این به نفع نیروهای مردمسالار است که بتوانند با بخشی از محافظه‌کاران وارد گفت‌وگو شوند و با آنها به توافق‌هایی عمومی درباره رقابت در عین حفظ مصالح فراجناحی برسند. این کار به آرامش سیاسی کمک می‌کند و وحشت جناح محافظه‌کار را از بین می‌برد و نمی‌گذارد که آنها دچار این تصور شوند که اصلاح‌طلبان در صدد حذف آنها از صفحه روزگارند.»

وی درخصوص مواضع هاشمی در انتخابات گفت: بنابراین، آقای هاشمی اگر شعارهایش برگرداندن انضباط و عقلانیت به دخل و خرج دولت، بازگرداندن رونق اقتصادی به جامعه و نیز تقویت تولید باشد، فقط طبقه متوسط جدید را هدف قرار نداده است، بلکه بهروزی همه طبقات را نشانه گرفته است.

افزایش فرصت‌های اشتغال، بالارفتن سطح کلی درآمد ملی و کنترل تورم، به طبقات پایین کمک ویژه‌ای می‌کند. افزایش رشد و رونق اقتصادی نیز به طور طبیعی به سود طبقات بالا و طبقه متوسط سنتی است. اهمیت‌دادن مجدد به تخصص نیز به سود طبقه متوسط جدید است.

در واقع نفی سیاست‌های اقتصادی موجود و بازگرداندن عقلانیت به اقتصاد کشور و تصمیم‌گیری در حوزه اقتصاد با منطق اقتصادی نه با منطق گروهی، همه اقشار جامعه را بهره‌مند می‌کند. بنابراین شعارهای اقتصادی هاشمی لزوما نباید معطوف به یک طبقه خاص باشد بلکه می‌تواند همه طبقات را در بر بگیرد.

علوی‌تبار در پاسخ به این سوال که اگر رقیب اصلی هاشمی، سعید جلیلی باشد، به نظر می‌رسد شرایط رقابت سال ۸۴ بازتولید می‌شود. اگر این طور شود، فکر می‌کنید هاشمی چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ تاکید کرد: در آن زمان مردم احساس می‌کردند جریانی که آقای احمدی‌نژاد نماینده‌اش بود، هنوز امتحان خودش را پس نداده است. راست رادیکال تا آن‌موقع هیچ وقت در راس قوه مجریه قرار نگرفته بود.

علوی‌تبار گفت: خیلی از آنها در سال ۸۴ فکر می‌کردند راست رادیکال با پرچمداری احمدی‌نژاد، فقط قرار است اصلاح‌طلبان را از عرصه سیاسی اخراج کند ولی در این هشت‌سال دیدند وضع به گونه دیگری است! راست رادیکال چون تمامیت‌خواه است، وقتی که به قدرت می‌رسد، یک جناح را اخراج نمی‌کند بلکه همه جریان‌های متفاوت از خودش را از صحنه سیاسی اخراج می‌کند.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که آیا نیروهای اجتماعی دموکراسی‌خواه این‌بار به شکل حداکثری از هاشمی حمایت می‌کنند یا باز مثل سال ۸۴ منفعلانه عمل می‌کنند؟ تصریح کرد: فکر می‌کنم این‌بار از هاشمی حمایت حداکثری می‌کنند. نیروهای دموکراسی‌خواه می‌دانند که برای پیشبرد فرآیند دموکراتیزاسیون در ایران، فقط جنبش اجتماعی کافی نیست. بهترین راه این است که جنبش اجتماعی در کنار بهبودخواهی دولتی قرار بگیرد. بنابراین وجود جریان تحول‌خواه در درون حکومت را به نفع دموکراسی در ایران تلقی می‌کنند. این نکته را هم نباید فراموش کرد که جنبش‌های برآمده از نارضایتی‌های اقتصادی به سود دموکراسی نیستند. آقای هاشمی با توجه به توان مدیریتی و تیم قدرتمندش، تا حد زیادی می‌تواند مشکلات اقتصادی کشور را حل کند و این امر، رافع نگرانی از اعتراض‌هایی است که می‌توانند نتایج غیردموکراتیکی در بر داشته باشند.

علوی‌تبار در پاسخ به این سوال که فکر می‌کنید هاشمی این بار رییس‌جمهوری می‌شود؟ گفت: به نظر من این‌بار، برخلاف سال ۸۴، انتخابات به دور دوم کشیده نخواهد شد. دور دوم انتخابات در سال ۸۴، محصول بستر خاصی بود. آن بستر دیگر از بین رفته است. آن جریانی که می‌خواهد در برابر هاشمی بایستد (راست رادیکال)، در هشت‌سال گذشته امتحان پس داده است و دیگر از آن پشتوانه منسجم و یکپارچه قبلی برخوردار نیست.

وی ادامه داد: به علاوه، ورود هاشمی این‌بار، برخلاف سال ۸۴، با برخورد فعال اصلاح‌طلبان توام بوده است. پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان را نمی‌توان نادیده گرفت. همچنین من فکر می‌کنم این بار کسانی هم که نگران برخی از امور ملی‌اند مثلا نگران خطر حمله نظامی به ایرانند، در سال ۸۴ تا این حد نگران منافع ملی نبودند. به‌نظر من، این بار افرادی به نفع هاشمی وارد انتخابات شوند که در سال ۸۴ وارد نشده بودند. مجموع این عوامل اجازه تکرار داستان سال ۸۴ را نخواهد داد. در مجموع تصور من این است که هیچ یک از این کاندیداهای موجود نمی‌توانند بر هاشمی غلبه کنند و هاشمی برنده انتخابات می‌شود.

منبع: عصر ایران

جدول ۱۷۰۵

افقی:
۱ - همسر رستم - کتابی از ارنست همینگوی ۲ - وعده‌گاه - سیاهرگ - مارکی بر لوازم صوتی ۳ - شهر صنعتی - اندوه - مارکی بر خودرو ۴ - تحمل - دانه‌های نباتات - آسمان - افزایش حجم چیزی ۵ - دلدار - دور شونده ۶ - سقف فرو ریخته - یکتا - ضمیر اشاره ۷ - تکرار یک حرف - نخستین نمونه رمان ناتورالیستی - از نسل آریا ۸ - سازمان امور آبزیان - چشیدن ۹ - از صفات باریتعالی - کتابی از محمد علی جمالزاده - همه ۱۰ - پیشوند فعل مضارع - گیاه چتردار - نجات‌دهنده ۱۱ - تحسین فرنگی - فریاد کشیدن ۱۲ - سقف دهان - بسیار درخشان - مادر حضرت رسول - سقف خانه ۱۳ - گازی بی‌رنگ و بی‌بو - نصیب - پیامبر صبور ۱۴ - بلندمرتبه - در بر گیرنده پنبه - زیان دیده ۱۵ - سر بلندان - مربوط به مدارک

عمودی:
۱ - گوجه فرنگی - پایتخت سوریه - جمع وسوسه ۲ - گشاده‌رو - می‌آیم خودمانی - سکون و آرامش ۳ - رویارویی - شعله - نوعی ورزش با گوی و چوگان ۴ - گاو تبتی - وترها - نقاش تابلوی دسته گل بهاره ۵ - یادداشت - دما - شهر زعفران ۶ - جنگجو - روکش لباس - ابریشم خام ۷ - پیچ تنظیم صدا - دالان - نیروها ۸ - رویای تشنه لب - حرف تعجب - نه در تداول کودکانه - خوراک قناری ۹ - سدی در آذربایجان شرقی - دادگاه - روز آخر هفته ۱۰ - دوستی - زیر هفتم زمین - نان کلفت ۱۱ - سمبل - گلدسته مسجد - فلز سرخ ۱۲ - آخر و انتها - در تداوم عامه خواهش درنهایت خشوع - مرکز یونان ۱۳ - بندری در فرانسه - ریز نمرات - معجزه موسی ۱۴ - همسایگی - سلاح جنگجوی قدیم - جنگ ۱۵ - از پایتخت‌های آسیایی - سیاستمدار هندی - بی‌گناه

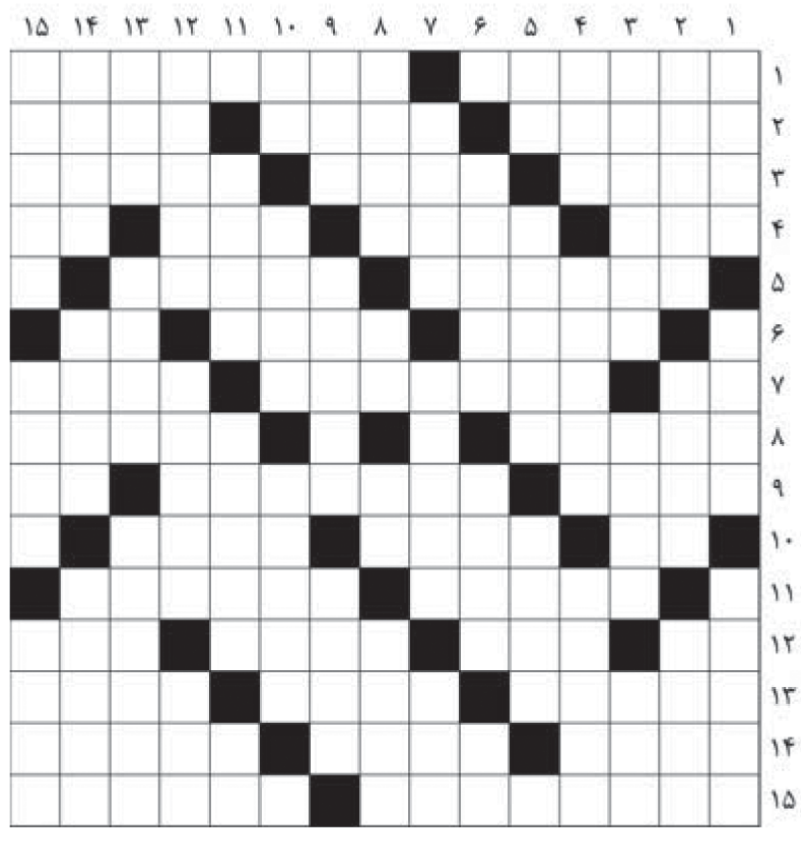

جدول ۱۷۰۴

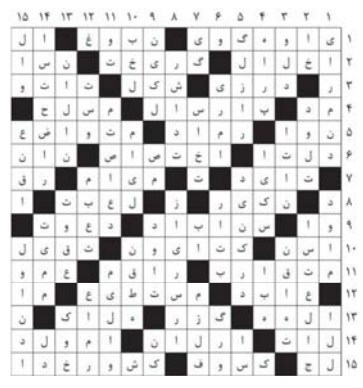

سودوکو سخت ۳۵۷

	۱		۵		۶		۲	
	۶			۹		۴		
	۳	۷	۲					
	۷	۶				۵		۹
	۲	۸				۱		۳
	۵		۱				۸	
			۶	۵	۳	۲		
			۴			۷		
	۸					۳		۴

حل سودوکو سخت

۶	۳	۵	۹	۱	۸	۴	۷	۲
۴	۲	۸	۷	۳	۶	۵	۹	۱
۷	۹	۱	۴	۲	۵	۶	۸	۳
۱	۴	۶	۲	۷	۳	۸	۵	۹
۸	۵	۳	۶	۹	۱	۷	۴	۲
۹	۷	۲	۸	۵	۴	۳	۱	۶
۳	۱	۷	۵	۴	۲	۹	۶	۸
۲	۶	۴	۳	۸	۹	۱	۲	۵
۵	۸	۹	۱	۶	۷	۲	۳	۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۰۸

۶	۸		۳	۲		۴		
		۷		۹		۵		۱
۴						۸	۳	۲
	۵		۲			۶	۱	۴
	۲	۴		۱		۹		
۳	۱		۵	۴		۷		۸
۵				۸	۱			
	۷		۹	۵		۳		
۹		۸				۱		۵

حل سودوکو ۷۰۷

۳	۹	۴	۱	۷	۵	۸	۶	۲
۷	۱	۸	۶	۹	۲	۳	۵	۴
۲	۶	۵	۸	۳	۴	۹	۱	۷
۴	۵	۷	۹	۸	۳	۱	۲	۶
۸	۲	۱	۴	۶	۷	۵	۹	۳
۹	۳	۶	۵	۲	۱	۴	۷	۸
۶	۴	۲	۳	۵	۹	۷	۸	۱
۵	۸	۳	۷	۱	۶	۲	۴	۹
۱	۷	۹	۲	۴	۸	۶	۳	۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.